

نوآوری در تاریخ نگاری حسابداری:

افقهای پیشرو

ترجمه: دکتر ناصر اقبالی فر
مسعود تابع بردبار



مقدمه

تاریخ نگاری به مثابه مطالعه روشهای تدوین تاریخ، از جمله تاریخ نگاری حسابداری، مسیری شناخته شده در پژوهشهای علمی است. نمونه بارز این امر، پژوهش یافته کارنگی^۱ (۲۰۱۴) است که با واکاوی نظام مند ۶۲ اثر علمی طی سه دهه و با اتکا به دستاوردهای پیشین این حوزه شکل گرفته است. این عرصه پژوهشی همچنین شامل مشارکتهای ارزشمند اندیشمندی چون پارکر (۱۹۹۹)، ناپیر^۲ (۲۰۲۰)، گافیکین^۳ (۲۰۱۱) و شماره ویژه ۱۹۹۶ نشریه حسابداری، حسابرسی و پاسخگویی می باشد. این

چکیده

جهان معاصر با شرایطی دشوار، نامطمئن و چالش برانگیز مواجه است که پیامدهای عمیقی بر حرفه حسابداری، نظام آموزشی و پژوهشهای این حوزه برجای نهاده است. این محیط نوظهور ممکن است این پرسش را برانگیزد که آیا پژوهشهای حسابداری باید فقط بر حل مسایل جاری تمرکز کند و مطالعات تاریخ حسابداری به حاشیه رود؟ ما با استدلالی مستدل نشان می دهیم که تاریخ حسابداری کماکان از اهمیت راهبردی برخوردار بوده و پژوهشگران این عرصه از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون، چارچوبهای نظری،

روش شناختی و چشم اندازهای پژوهشی خود را در زمینه موضوعهای پژوهشی متنوع و به شکلی کیفی، متحول ساخته اند. این مقاله با هدف واکاوی سازوکارهای توسعه پژوهشهای تاریخ حسابداری از رهگذر نوآوری در نظریه پردازی، منابع پژوهشی، روش شناسی و شیوه های نگارش تنظیم گردیده است. یافته ها گویای آن است که این حوزه دانشی پویا بوده و مطالعه خلاقانه گذشته می تواند الگوهای نوینی برای مدیریت و حکمرانی اثربخش در جهان امروز ارائه دهد.



می‌کند. بر این اساس، هدف این پژوهش ترسیم نقشه راهی برای توسعه این رشته از مسیر نوآوری در چهار محور یادشده است.

ساختار این مقاله در پنج گام به هم پیوسته و نظام‌مند ادامه می‌یابد. نخست، مفاهیم بنیادین «تغییر»، «نوآوری» و «خلاقیت» در چارچوب اهداف این پژوهش تعریف و تبیین می‌شوند تا بستر مفهومی لازم برای درک تحولات آتی فراهم آید. سپس، به نوآوری‌های کاربردی در عرصه نظریه‌پردازی می‌پردازیم و پیوند دیالکتیکی آن را با منابع و روشها مورد تاکید قرار می‌دهیم؛ به گونه‌ای که هم‌افزایی این سه عنصر به عنوان موتور محرکه پیشرفت تاریخ‌نگاری آشکار گردد. در ادامه، نوآوریها در منابع مورد استفاده را با تمرکز ویژه بر منابع دیجیتال در حسابداری و پژوهشهای تاریخی تحلیل می‌کنیم؛ رویکردی که هم به بررسی منابع در پژوهش تاریخی عام می‌پردازد و هم کاربرست آن را در پژوهشهای تخصصی تاریخ حسابداری می‌سنجد. پس از آن، به کاوش روش‌شناسیهای بدیع در پژوهش تاریخ حسابداری معطوف می‌شویم، با تاکید بر نوآوریهای که متکی بر منابع جدید هستند و مستلزم طراحی پارادایمهای روش‌شناختی متفاوت از سنتهای پیشین می‌باشند. در بخش ماقبل پایانی، چگونگی به‌کارگیری این نوآوریها در نظریه‌ها، منابع و روشهای برای ارتقای روایت‌پردازی تاریخ حسابداری بررسی می‌شود تا اطمینان حاصل شود که بینشهای حاصل، مدیریت و حکمرانی جهان معاصر را به شیوه‌ای ملموس بهبود می‌بخشد. سرانجام، بخش پایانی با جمع‌بندی یافته‌ها، محدودیتهای پژوهش و ترسیم افقهای نوین برای مطالعات آتی به پایان می‌رسد.

تغییر، نوآوری و خلاقیت: ترسیم چارچوب مفهومی

پیش از کاوش نوآوریهای که می‌تواند بر توسعه آینده تاریخ حسابداری تاثیر بگذارد، ضروری است مفهوم نوآوری مورد استفاده در این مقاله را روشن سازیم. فرهنگ لغت آکسفورد، نوآوری را «معرفی چیزها، ایده‌ها یا روشهای جدید برای انجام امور» تعریف می‌کند. بر این اساس ما نوآوری در تاریخ حسابداری را امکان معرفی موضوعها و ایده‌های جدید به پژوهشهای تاریخی یا استفاده از رویکردهای نوین در انجام

صاحب‌نظران، ضمن بازخوانی انتقادی روندهای پیشین، زمینه‌ساز ظهور جریان «تاریخهای نوین حسابداری» شده‌اند که با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای، زمینه اجتماعی-تاریخی را مدنظر قرار داده، از نظریه‌های رهگشا بهره جسته و روش‌شناسی‌هایی چون تاریخ شفاهی، هم‌افزایی مطالعات تاریخ کسب‌وکار و حسابداری، و تحلیل‌های کمی را احیا نموده‌اند. کارنگی و ناپیر^۴ (۲۰۱۷) تاریخ‌نگاری را «فرایند تحلیل مجموعه آثار مکتوب تاریخی با مضامین مشترک و بررسی سیر تحول دانش تاریخ‌نویسی» تعریف می‌کنند. این تعریف گویای تکرر پارادایمی در این حوزه است که تایسون و الدروید^۵ (۲۰۱۷) آن را به تقابل دو جریان فکری توصیف می‌کنند که از سویی مورخان سنتی با پایبندی به اصالت بی‌چون و چرای اطلاعات واقعی قرار دارند و از دیگرسو، پسامدرنیستها که رویدادهای گذشته را در خدمت پیشبرد چارچوبهای نظری قرار می‌دهند. اگرچه این مجادله منحصر به تاریخ حسابداری نیست، اما پیامدهای عمیقی بر معیارهای اعتبارسنجی شواهد، الگوهای نظریه‌پردازی و شیوه‌های بازنمایی یافته‌ها دارد (کارنگی و ناپیر، ۲۰۱۷). نمود عینی این تاثیر را می‌توان در کوچ‌فراینده مورخان سنتی به دانشکده‌های کسب‌وکار مشاهده کرد؛ جایی که آنان ناگزیرند پژوهشهای خود را در چارچوبهای نظری رایج جای دهند و بر روش‌شناسی کار خود شفافیت بیشتری نشان دهند. با این حال، پرسش بنیادین تمامی پژوهشگران تاریخی یکسان است: «ما چگونه می‌توانیم گذشته را بشناسیم؟ در رویارویی با بحرانهای جهانی معاصر، همه‌گیریها، درگیریهای موجود در حوزه جغرافیای سیاسی کشورها و ناآرامی‌های سیاسی که حساسیت جامعه را به عدم‌قطعیت و چالشها به اوج رسانده است، این پرسش نیز مطرح می‌شود که آیا تاریخ حسابداری می‌تواند نقشی در حل چالشهای کنونی ایفا کند؟ با وجود تمرکز مجله‌های تخصصی حسابداری بر مسایل جاری، ما استدلال می‌کنیم که تاریخ حسابداری با پیشگیری از تکرار اشتباه‌های تاریخی، نقشی راهبردی در سیاست‌گذاری ایفا نموده و از رهگذر نوآوری در نظریه‌ها، منابع، روشهای و نگارش، چراغ راه آینده خواهد بود. همان‌گونه که پارکر^۶ (۲۰۱۵) متذکر می‌شود، تاریخ نوین حسابداری «امکان بازاندیشی گذشته و طراحی آینده» را فراهم

در نظر می‌گیریم. در این راستا، نمونه‌هایی از بهترین روشهای موجود و نیز روشهای بالقوه جدید را برجسته می‌سازیم که باید اشتیاق خواننده را برای جست‌وجوی موارد دیگر برانگیزند. تمرکز ما بر نوآوریها از دو منظر است: نخست: نوآوریهای ناشی از تلاشهای خلاقانه‌ای که ممکن است شامل وارد کردن ایده‌ها و ابزار از سایر رشته‌ها و نیز بهره‌گیری از فناوریهای جدید حاصل از حوزه‌های دیگر (مانند فناوریهای دیجیتال) باشد. دوم: نوآوریهای که انتظار می‌رود تغییر در شیوه انجام تاریخ حسابداری را تسهیل کنند، که به بهبود تاریخ‌نگاری حسابداری و ارتباط آن خواهد انجامید. این نوآوریها باید به پژوهشگران در شناسایی روشهای جدید و آگاهانه برای مدیریت و حکمرانی جهان کمک کنند. در ادامه، ابتدا به نوآوریهای نظری خواهیم پرداخت.

«نظریه در پژوهشهای تاریخ حسابداری»

با وجود مخالفت برخی صاحب‌نظران با به‌کارگیری نظریه در پژوهشهای تاریخی حسابداری، ناپیر (۲۰۲۰) با صراحت تاکید می‌کند که داشتن «موضع نظری روشن درباره عواملی که بر ایده‌ها و شیوه‌های حسابداری مشاهده‌شده در آرشیو تاثیر می‌گذارند و چگونگی تاثیرگذاری این ایده‌ها و شیوه‌ها بر ایده‌های فردی، اجتماعی و سازمانی» ضرورتی غیرقابل انکار است. یک چارچوب نظری اولیه می‌تواند به پژوهشگر تاریخی حسابداری با تعیین «متغیرهای» کلیدی (جنبه‌هایی که باید در زمینه خاص مورد توجه پژوهشگر قرار گیرند) و روابط بین این متغیرها کمک کند. این چشم‌انداز اولیه، توجه پژوهشگر را به مواد آرشیوی خاصی به‌عنوان عناصر مرتبط با مدل نظری یا تبیینی که از آن دفاع می‌کند، معطوف می‌سازد. با این حال، چارچوب نظری اولیه بیش از حد تصفیه‌شده، خطر گزینشی اسناد را به‌همراه دارد؛ پدیده‌ای که در آن پژوهشگر آگاهانه یا ناخودآگاه اسناد همسو با نظریه را انتخاب و اسناد نقض‌کننده آن را نادیده می‌گیرد. حتی هنگام استفاده از یک سند واحد، پیش‌فرضهای نظری بر تفسیر فرم و محتوای آن تاثیر می‌گذارند. پژوهش تاریخی حسابداری در فضای میانی مطالعات تاریخی محض و علوم اجتماعی قرار دارد. پژوهشگران این عرصه باید به این پرسش بنیادین پاسخ

پارکر ۲۰۱۵

متذکر می‌شود

تاریخ نوین حسابداری

امکان بازاندیشی گذشته و

طراحی آینده

را فراهم می‌کند

این مطالعات می‌دانیم.

بدین ترتیب، نوآوری می‌تواند از نظریه‌های جدید، داده‌های تازه برای تحلیل، روش‌شناسیهای نوین پژوهش و همچنین شیوه‌های جدید انتشار پژوهش سرچشمه گیرد. اگرچه نظریه‌ها، داده‌ها و روش‌شناسیهای پژوهشی به‌ندرت بدیع هستند، اما استدلال می‌کنیم که نوآوری شامل به‌کارگیری عناصر متفاوتی است که پیش‌تر توسط سایر رشته‌ها و علوم در پژوهش تاریخ حسابداری به اجرا درآمده‌اند. نوآوری با مفاهیم تغییر و خلاقیت مرتبط بوده و بر آن‌ها تاثیر متقابل دارد؛ اگرچه این سه مفهوم متمایز هستند (داوسون و آندریوپولوس^۷، ۲۰۱۷). اما در عمل، نوآوری بدون خلاقیت وجود ندارد و مستلزم تغییر است. خلاقیت موتور محرک نوآوری است که برای تولید ایده‌ها و کاربردهای جدید به‌منظور تقویت آن ضرورت تام دارد. در مقابل، نوآوری تا زمانی که ایده‌های نو را نپذیرد و آن‌ها را در حوزه خاصی توسعه و اجرا نکند، موفق نخواهد بود. هنگامی که نوآوری با موفقیت معرفی و به‌کار گرفته شود، می‌تواند تغییرهای گسترده‌تری را در سطح سازمانها، نهادها و جامعه ایجاد کند و بر عملکرد آن‌ها تاثیر بگذارد. در این مقاله، نوآوری را معرفی نظریه‌ها، منابع، داده‌ها، روش‌شناسیها و شیوه‌های نگارش جدید و متفاوت به تاریخ حسابداری به‌گونه‌ای که پیش‌تر به‌ندرت دیده شده است،

۳- نظریه به مثابه مفهوم پردازی (ساختار بندی ایده های کلان برای سازماندهی روایت تاریخی)

۴- نظریه های وابسته به زمینه موقعیتهای عملیاتی (تمرکز بر محیطهای خاص برای تحلیل پدیده ها)

۵- نظریه های کلان فرازمینه ای (قوانین جهان شمول برای تبیین فرازمینه ای)

این محققان با تحلیل گزیده ای از مقاله های بررسی کننده حسابداری درون سازمانها، دریافتند که متداول ترین کاربرد نظریه، ارائه یک «چارچوب مفهومی» از ایده های انتزاعی و روابط متقابل آنهاست که سپس به منظور ساختاردهی روایت مبتنی بر منابع آرشیوی به کار گرفته می شود. «مشارکت نظری» در چنین پژوهشهایی بیشتر از طریق آزمون انطباق پذیری مفاهیم در زمینه ویژه مطالعه حسابداری با استفاده از اسناد آرشیوی محقق می گردد. فری و همکاران^{۱۴} (۲۰۲۱) از (سطوح نظریه) لوولین برای طبقه بندی رویکردهای نظری حدود ۱۳۰۰ مقاله تاریخ حسابداری منتشر شده بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ استفاده کردند. یافته ها نشان می دهد که مقاله های مجله های تخصصی تاریخ حسابداری بیشتر از سطوح ابتدایی نظریه پردازی (استعاره و تمایز گذاری) بهره می گیرند. در مقابل، مجله های عمومی حسابداری گرایش غالب به نظریه پردازی انتزاعی تر را نشان می دهند. روند تحول دو دهه اخیر افزایش محسوس کاربرد نظریه های وابسته به زمینه (سطح چهارم) و کاهش قابل توجه نظریه های کلان (سطح پنجم) را ثبت نموده است. این امر ممکن است حاکی از آن باشد که کاربرد نظریه های کلان در مطالعات تاریخی حسابداری که با ظهور جریان «تاریخ نوین حسابداری» (میلر و همکاران^{۱۵}، ۱۹۹۱) در دهه های پایانی سده بیستم رویکردی انقلابی محسوب می شد، امروزه برای پژوهندگان این عرصه از جذابیت کمتری برخوردار است. نوآوری نظری معاصر بیشتر از مسیر نظریه های زمینه محور علوم اجتماعی و با تمرکز بر ویژگیهای محیطی خاص محقق می شود؛ جایی که هابسون و لاسون^{۱۶} (۲۰۰۸) در مطالعه تاریخ روابط بین الملل با صراحت تاکید می کنند که تاریخ به شکل جمعی ظهور می کند. آن ها اشاره می کنند که تاریخ نه تنها امکان بازسازی گذشته به عنوان

دهند که هدف اصلی آنها تا چه حد تدوین روایت تاریخی و تا چه حد مشارکت در توسعه علوم اجتماعی است؟ برای تبیین تکامل ایده ها و روشهای حسابداری و تاثیر آنها بر افراد، سازمانها و جوامع، مورخان از نظریه های اقتصادی، سیاسی، جامعه شناختی، روان شناختی و انسان شناختی بهره می گیرند. مورخان سنتی این تعامل میان رشته ای را در ذات چالش برانگیز نمی دانند. به عنوان مثال، مارویک^{۱۷} (۲۰۰۱) تصریح می کند: «مورخان ناگزیرند ایده های مناسب را از هر منبع در دسترس اقتباس کنند.» اما او در ادامه هشدار می دهد: «صبانت از تمایزهای بنیادین بین رشته های علمی ضروری است.» این موضع، نمایانگر بدبینی بخشی از جامعه مورخان نسبت به نظریه پردازی است؛ دیدگاهی که هم تلاش برای کشف «قوانین علمی حاکم بر تاریخ» (همچون الگوی همپل^{۱۸}، ۱۹۴۲) و هم کاربردهای تفکر پسامدرن (مانند آثار فوکو^{۱۹}، ۱۹۹۱) را به چالش می کشد. امروزه شاهد چرخش پارادایمیک در پژوهشهای تاریخی حسابداری هستیم؛ مورخان معاصر می کوشند آثارشان را در چارچوب علوم اجتماعی (شامل مطالعات مدیریت) جای دهند. فشار فزاینده برای ارائه «مشارکت نظری معنادار» در این پژوهشهای به موضوعی بحث برانگیز تبدیل شده است. با توجه به تنوع رویکردهای نظری، تعریف دقیق «مشارکت نظری» خود نیازمند واکاوی است. در این راستا، در بخش های بعدی، دو رویکرد نظری متمایز شامل رویکرد لوولین^{۲۰} (۲۰۰۳) و رویکرد مک لین و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۶) را به اختصار تشریح می کنیم.

رویکرد لوولین (۲۰۰۳) در به کارگیری نظریه در

پژوهش

کارنگی و همکاران^{۲۲} (۲۰۲۰) با تحلیل نقش نظریه در شکوفایی پژوهشهای تاریخی حسابداری از دهه ۱۹۸۰، از مدل «سطوح پنج گانه نظریه پردازی» لوولین (۲۰۰۳) بهره برده اند. این سطوح شامل:

۱- نظریه به مثابه استعاره (استفاده از تشبیه های انتزاعی برای ایجاد چارچوب مفهومی مقدماتی)

۲- نظریه به مثابه تمایز گذاری (تفکیک مفاهیم هم پوشان برای ترسیم مرزهای مفهومی)

روایت‌های ذهنی متفاوت را فراهم می‌کند، بلکه واسازی روایت‌های موجود را نیز ممکن می‌سازد. به بیان دیگر، تاریخ در قالب‌های تک‌وجهی ظهور نمی‌کند، بلکه دارای تجلی‌های چندوجهی است. این مشاهده موید آن است که انتخاب نوع نظریه با سطح تحلیل پژوهش (خرد، میانی، کلان) و ماهیت زمینه‌ای پدیده مورد بررسی، ارتباط مستقیم دارد.

رویکرد مک‌لین و همکاران (۲۰۱۶) در به‌کارگیری نظریه در پژوهش

این ایده درباره پیوندهای متنوع بین تاریخ و نظریه در چارچوب مطالعات سازمانی مورد بررسی قرار گرفته است. مک‌لین و همکاران (۲۰۱۶) پیشنهاد می‌کنند که مطالعات تاریخی در پژوهش‌های سازمانی به‌طور معمول یکی از این دو هدف را دنبال می‌کند: یا تبیین ایده‌ها، سازه‌ها و نظریه‌ها از طریق مطالب تاریخی، یا تفسیر پدیده‌های جاری با شناسایی تداوم‌ها و گسسته‌ها از گذشته. همچنین آن‌ها خاطرنشان می‌کنند که تاریخ در مطالعات سازمانی می‌تواند بر یک شیوه تحقیق «علمی-اجتماعی» تاکید کند (جایی که در آن نظریه‌پردازی صریح است)، یا بر یک شیوه تحقیق «روایی» تاکید کند (جایی که در آن بیان ایده‌های نظری در دل داستانی که روایت می‌شود، باقی می‌ماند) (مک‌لین و همکاران، ۲۰۱۶). این تمایزها به چهار برداشت متفاوت از تاریخ در مطالعات سازمانی منجر می‌شود. در تصور «تاریخ به مثابه ارزیابی»، که تبیین را با شیوه تحقیق علمی-اجتماعی ترکیب می‌کند، تاریخ برای آزمون و پالایش نظریه‌ها و استدلال‌های پیش‌ساخته استفاده می‌شود. در مطالعاتی که این تصور را اتخاذ می‌کنند، «تاریخ به مثابه آزمایشگاه یا میدان آزمایشی عمل می‌کند تا نظریه را در فرایندی تدریجی از خلق دانش با واقعیت مواجه سازد» (مک‌لین و همکاران، ۲۰۱۶). به عنوان مثال، بسیاری از مطالعات تاریخی حسابداری که از مفهوم قدرتمداری مطرح‌شده توسط میشل فوکو (۱۹۹۱) بهره می‌گیرند، تمایل به بررسی این موضوع دارند که این مفهوم پایه تا چه حد نیاز به توسعه و پالایش دارد تا تبیین مناسبی برای چگونگی عملکرد حسابداری و سایر ابزار کنترل و انضباط را در عمل و در یک موقعیت خاص، ارائه دهند. هر مطالعه همزمان

منحصر به فرد است و هم زمینه را برای توسعه چارچوب‌های نظری ظریف‌تر با تعمیم‌پذیری بیشتر، فراهم می‌کند. تصور «تاریخ به مثابه تبیین»، شیوه تحقیق علمی-اجتماعی را با هدف تفسیر ترکیب می‌کند. در اینجا نقش تاریخ، اعمال و توسعه نظریه برای آشکارسازی عملکرد فرایندهای اجتماعی تحول‌آفرین است (مک‌لین و همکاران، ۲۰۱۶). یک نظریه ممکن است سازوکارهای علی را به عنوان تبیین‌هایی برای تغییر مطرح کند، اما آیا چنین تبیین‌هایی در زمانهای مختلف معتبر هستند؟ در چنین رویکردی، نظریه اولیه ممکن است به جای توسعه کامل، یک «چارچوب پایه‌ای» باشد که به شناسایی مفاهیم و روابط کمک می‌کند (لاکلین^{۱۷}، ۱۹۹۵). پژوهشگر تاریخی حسابداری با اصلاح این چارچوب و افزودن مفاهیم جدید به نظریه مشارکت می‌کند. در برداشت «تاریخ به مثابه مفهوم‌سازی» (ترکیب تبیین با شیوه روایی)، تاریخ برای خلق سازه‌های نظری جدید استفاده می‌شود (مک‌لین و همکاران، ۲۰۱۶). اگرچه روایت منحصر به شرایط خاص مواد تاریخی مورد مطالعه است، اما می‌تواند به شناسایی یک مفهوم یا رابطه جدیدی منجر شود که ممکن است کاربرد عمومی‌تری داشته باشد. این رویکرد به مطالعه تاریخی، برخی شباهتها با نظریه زمینه‌ای به عنوان یک روش تحقیق دارد. همچنین به پژوهشگر راهی برای ساختاربندی روایت از طریق شناسایی و کدگذاری «درون‌مایه‌هایی» که از مطالب آرشیوی استنتاج می‌شوند، ارائه می‌دهد. سپس از این کدها برای تولید یک «نظریه» به صورت بیانیه‌ای عمومی‌تر و در سطح بالاتر از خود روایت استفاده می‌کند که اهمیت یافته‌های پژوهش را روشن می‌سازد. سرانجام، تصور «تاریخ به مثابه روایت‌گری» (ترکیب تفسیر با شیوه روایی)، بازتاب‌دهنده یک شیوه تحقیق روایی و هدف تفسیر است. روایت نه تنها به خاطر داستان خاصی که بازگو می‌کند، بلکه به خاطر بینش‌هایی که درباره شکل و خواستگاه پدیده‌های مهم کنونی ارائه می‌دهد، ارزشمند است. «نظریه بیشتر پشت صحنه است، با گزاره‌ها و استدلال‌هایی که به صورت استقرایی از انباشت، نظم‌دهی و تحلیل شواهد تاریخی پدیدار می‌شوند» مک‌لین و همکاران، (۲۰۱۶) در این برداشتهای متفاوت، میزان شروع پژوهشگر با یک چارچوب نظری تعریف‌شده متفاوت است. در یک

تحلیلی موشکافانه و روایتی منسجم باشد. چنین ویژگی‌هایی را ناپیر (۱۹۸۹) «درست‌نمایی تاریخی» می‌خواند. اما از سوی دیگر و در حوزه مطالعات سازمانی، پژوهش باید به پیشرفت دانش نظری قابل‌تعمیم نیز بیانجامد؛ هدفی که مک‌لین و همکاران (۲۰۱۶) آن را «تولید معرفت علمی» می‌نامند. این دوگانگی پرسشهای محوری را برای پژوهش تاریخی حسابداری برمی‌انگیزد: «حوزه‌ای که پژوهش قصد اثرگذاری بر آن را دارد کدام است؟» آیا مطالعه سازوکارهای کنترل مالی در سازمانهای سده هجدهم، به پیشرفت «حسابداری»، «مطالعات سازمانی»، یا هر دو یاری می‌رساند؟ و این‌که چگونه می‌توان در رشته‌ای مانند حسابداری که در ذات خود اکنون نگر است و به‌زعم مک‌براید و ورما^{۱۸} (۲۰۲۱) «گذشته را سرزمینی بیگانه تلقی می‌کند که گویی نظامهای آن هیچ پیوندی با مسایل جاری ندارد»، مشارکتی تاریخی انجام داد؟ افزون بر این، خطر جدی غلبه یک رشته بر دستورکار پژوهشی و تقلیل رشته دیگر به نقشی حاشیه‌ای نیز وجود دارد. چنان‌که لیلیسی^{۱۹} (۲۰۱۴) به‌درستی اشاره می‌کند که مطالعات سازمانی یا حسابداری ممکن است به‌قدری بر جهت پژوهش مسلط شوند که تاریخ‌نگاری به حاشیه رانده شده و فقط به‌عنوان تامین‌کننده داده‌ها عمل کند. این خطر در فرایند داوری مقاله‌های تاریخی به‌وضوح تجلی می‌یابد؛ آن‌جا که ممکن است مقاله‌ای با خواستگاه روایی اصیل، تحت فشار داوران غیرمتخصص، به متنی آکنده از نظریه‌های تحمیلی تبدیل شود که در آن، اصل «داستان تاریخی» و شواهد آرشیوی غنی، قربانی انتزاع‌های نظری بی‌ربط گردد.

ریشه اصلی این چالش در ناهمخوانی بنیادین میان چارچوبهای نظری و اسناد آرشیوی نهفته است. پژوهشهای تاریخی حسابداری بیشتر حول محور یک مجموعه آرشیوی اعم از اسناد شخصی، سازمانی یا دولتی شکل می‌گیرند. گاهی نیز کشش نظری یک مکتب فکری خاص، محقق را به سوی آرشیوی ویژه رهنمون می‌کند. نمونه بارز این پدیده، تاثیر بنیادین نظریه «حکمرانی» است که با تاکید بر نقش حسابداری به‌مثابه ابزار نظارت اجتماعی، انبوهی از مطالعات را به سوی آرشیوهای نهادهای حکومتی (دولتهای مرکزی و محلی) و سازمانهای غیرانتفاعی (مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستانها و

سر طیف، «تاریخ به‌مثابه ارزیابی» با یک چارچوب نظری توسعه‌یافته آغاز می‌شود، در حالی که در سر دیگر طیف، «تاریخ به‌مثابه روایت‌گری» بر خود «روایت» متمرکز است. با این حال، حتی در روایت‌گری ممکن است برخی استفاده از مفاهیم گسترده‌تر «پشت صحنه» در تلاش برای توضیح چگونگی عمل افراد و سازمانها وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال، برخی مورخان حسابداری مفیدبودن «عقلانیت اقتصادی» را به‌عنوان تبیینی گسترده برای رفتار مفروض می‌دارند. اگرچه مک‌لین و همکاران، (۲۰۱۶) برداشتهای خود را به‌عنوان انتخابهای مجزا ارائه می‌دهند، چارچوب آن‌ها بینشی درباره پویایی فرایند نظریه‌پردازی فراهم می‌کند. بسیاری از مورخان حسابداری ممکن است کار را با آرشیو آغاز کنند و نخست به درک روشن از توالی رویدادها (شاید با ساخت جدول زمانی) و کنشگران کلیدی و روابطشان دست یابند. در این مرحله، نظریه ممکن است نقش اندکی در توسعه درک تاریخی از رویدادها و رویه‌های حسابداری گذشته داشته باشد. پس از تولید روایتی تاریخی، مورخان ممکن است از یک چارچوب نظری عام برای ارائه درکی عمیق‌تر استفاده کنند و بدین ترتیب به «تاریخ به‌مثابه ارزیابی» دست یابند. با این حال، فرایند ارزیابی یک نظریه عام ممکن است ناسازگاریهایی با مواد تاریخی آشکار سازد. پژوهشگران سپس ممکن است از طریق «تاریخ به‌مثابه تبیین»، چارچوب ساده‌تری از نظریه عام را استخراج کنند. هنگام «خوانش» مطالب تاریخی از طریق این چارچوب پایه‌ای، توسعه‌های نظری جدیدی ممکن است برانگیخته شود و به «تاریخ به‌مثابه مفهوم‌سازی» به‌عنوان محصول نهایی تحلیل تاریخی بینجامد.

چالشهای نوآوری در حیطه نظریه

مک‌لین و همکاران (۲۰۱۶) بر مفهوم «اصالت دوگانه» برای مطالعات تاریخی سازمانها تاکید می‌کنند. این بدان معناست که چنین مطالعاتی باید معیارهای بنیادین برای پذیرش به‌عنوان پژوهشهایی «معتبر» را هم در حوزه تاریخ و هم در حوزه مطالعات سازمانی برآورده سازند. از یک سو در قلمرو تاریخ‌نگاری، پژوهش باید واجد اعتبار روایی باشد؛ به‌این معنا که قادر به بازسازی پویای رویدادها مبتنی بر اسناد آرشیوی با

کرد. آن دسته از چارچوبهای نظری که به فهم معنادار مطالب آرشیوی یاری می‌رسانند، به مراتب ثمربخش‌تر از نظریه‌های کلان پیچیده‌ای عمل می‌کنند که به جای گشودن افقهای نوین، می‌توانند پژوهشگر تاریخ حسابداری را در حصار محدودیتهای خود محبوس کنند. با در نظر گرفتن هشدار ناپیر (۲۰۲۰)، یادآور می‌شویم که استفاده از نظریه‌های زمینه‌مند در صورت تعریف مضیق زمینه، می‌تواند دامنه بینش پژوهشی را محدود ساخته و منابع مرتبط را نادیده انگارد. برای مثال، تاریخ‌نگاریهای فنی دفترداری دوطرفه که فقط بر صورتی بودن ثبتهای حسابداری و سوابق متمرکزند، اغلب زمینه نهادی شکل‌دهنده به حسابداری را مغفول می‌گذارند. برای اجتناب از این غفلت، سنگستر^{۲۱} (۲۰۱۸) با کالبدشکافی تجارت ایتالیای سده پانزدهم نشان می‌دهد که چگونه لوکا پاچولی^{۲۲} در اثر ماندگار «سوما د آریتمتیکا»^{۲۳} (۱۴۹۴)، اصول دفترداری دوطرفه را در بستر واقعیتهای اقتصادی-اجتماعی عصر رنسانس تبیین و نظریه پردازی کرده است. نکته درخور تامل این است که سنگستر به جز اشاره‌ای گذرا به نظریه آموزش، در این تحلیل هیچ چارچوب نظری صریحی را به کار نبسته است. یافته‌های سنگستر (۲۰۱۸) گواه آن است که پژوهش تاریخی حسابداری ارزشمند، به الزام متکی بر نظریه‌های صریح نیست (هرچند وی در پاسخ به منتقدان تامل در مورد چگونگی معنی‌یافتن روشهای تدریس پاچولی در پس زمینه تجارت ایتالیای قرن پانزدهم را نمونه‌ای از «نظریه زمینه‌ای» توصیف می‌کند) اما آیا این بدان معناست که تاریخ‌نگاران حسابداری می‌توانند به سادگی نظریه را کنار بگذارند؟ ما به این نتیجه می‌رسیم که چارچوب نظری مناسب هم به شناسایی مسایل پژوهش کمک می‌کند (هر نظریه پرسشهای خاص خود را دارد در حالی که بر پرسشهای بالقوه دیگر، تاکید کمتری می‌کند) و هم ساختاری برای تفسیر مواد آرشیوی فراهم می‌کند و روایتی را توسعه داده و از منابع نتیجه‌گیری می‌کند. یک نظریه سودمند باید در هیئت جریانی زنده در تاروپود روایت جاری شود نه آن که چون عنصری حاشیه‌ای، تنها در حاشیه آغاز و انجام مقاله ظاهر گردد. پیوند ناگسستنی نظریه و روش نیز حیاتی است. نظریه‌هایی که روابط کمی میان متغیرهای قابل سنجش را صورت‌بندی می‌کنند، به مانند نظریه‌های

محتوای رسانه‌های اجتماعی و

تالارهای گفت‌وگوی

برخط منابع

در ذات دیجیتال

دیگری هستند که برای

پژوهش تاریخی آماده‌اند

نهادهای مذهبی) هدایت کرده است؛ چراکه این مراکز به طور کلی، گنجینه‌های آرشیوی دسترس‌پذیری را حفظ کرده‌اند. تاریخ‌نگاری نوین حسابداری (میلر و همکاران^{۲۰}، ۱۹۹۱) نیز با گذار از تمرکز انحصاری بر بنگاه‌های تجاری، بر واکاوی تاثیر حسابداری بر چنین نهادهایی تاکید ورزیده است. نظریه‌های بدیع می‌توانند کانون توجه پژوهشگران را در آینده به آرشیوهای دیگری معطوف سازند. با این حال و در سناریویی متفاوت، پژوهشگر تاریخ حسابداری نخست بر پایه واکاوی موشکافانه منابع دست‌اول و ثانویه، روایتی مستند می‌سازد و سپس در پی قراردادن یافته‌های ویژه در چارچوبی جامع‌تر برمی‌آید. چنان‌که پیشتر متذکر شدیم، این فرایند مستلزم شناسایی ویژگیهای مناسبی از مورد خاص است. افزون بر این، گزینش نظریه‌های پیشین خواه چارچوبهای تکامل یافته، خواه سازه‌های نظری مقدماتی بیشتر تابع ترجیهای فردی و تجربه‌های پژوهشگر است. تنوع چشمگیر رهیافتهای نظری در پژوهش تاریخی حسابداری (برای مثال، طبقه‌بندیهای ناپیر در سال ۲۰۰۶ و کارنگی، مک‌براید و همکاران در سال ۲۰۲۰ که مبانی نظری یا فقدان آن را در حدود ۱۸۰ مطالعه تاریخی حسابداری ردیابی کرده‌اند) گواه آن است که هیچ نسخه نظری واحدی را نمی‌توان برای همه موقعیتهای تجویز

فراينده اين آرشيوها نيز دسترسي پذيري را دگرگون ساخته است. امروزه ديجيتال سازي، امكانات نويني را پيش روي مورخان حسابداري قرار مي دهد و دسترسي به منابع بيشتر را هم از نظر كمّي و هم كيفي فراهم مي سازد. از نظر كمّي، ديجيتال سازي بسياري از آرشيوها، منابع در دسترس را چندين برابر کرده و طيف گسترده تري از منابع را به صورت جهاني قابل دسترس ساخته است. از نظر كيفي، آرشيوهاي فزيكي و ديجيتال مي توانند منابعي مانند تصاوير، ويديوها، فايلهاي صوتي، وبلاگها، انجمنهاي برخط و ايميلها را به عنوان جايگزيني براي كتابها و دفاتر حسابداري سنتي ارائه دهند كه مي توانند شواهد جديدي براي گسترش درك ما از حسابداري و پاسخگويي در گذشته فراهم كنند؛ هرچند استفاده از اين منابع مستلزم به كارگيري روش شناسيهاي پژوهشي متفاوتي است.

سير تكامل ديجيتال سازي

ديجيتال سازي در علوم انساني و به ويژه پژوهشهاي تاريخي، پديدهاي نوظهور نيست و ريشه هاي آن به دهه ۱۹۶۰ بازمي گردد؛ زماني كه نخستين کاربردهاي فناوريهاي رایانهاي در پژوهشهاي تاريخي، بنیان گذار حوزه اي شده كه ابتدا تحت عنوان «اينان در علوم انساني» شناخته مي شد و به تدريج به «علوم انساني ديجيتال» تكامل يافت (سويرنگا^{۲۵}، ۱۹۷۰؛ زاگسما^{۲۶}، ۲۰۱۳). در گام نخست، اين حوزه بيشتر در مقام يك «خدمات پشتيباني» تصور مي شد (بري^{۲۷}، ۲۰۱۲) كه هدف آن، به كارگيري رایانه ها براي گسترش دامنه منابع پژوهشي تاريخي و ارتقاي «كيفيت، عمق و گستره پژوهش» بود، نه فقط کاهش تلاش و زمان پژوهشگران (بوسا^{۲۸}، ۱۹۸۰). در پي اين تحول، رويکرد نظري جايگزين نگرشي شد كه فقط ابزاري بود؛ به گونه اي كه علوم انساني ديجيتال به قلمروي فكري با مباني نظري مستحكم بدل گرديد و خود پديده ديجيتال به موضوع پژوهش تبديل شد. تمرکز اين پارادايم نوين، معطوف به واکاوي زمينه هاي ديجيتال و آثار آن بر زندگي انسانها گرديد (بري، ۲۰۱۲)، تاريخ ديجيتال نيز به عنوان بخشي جدائي ناپذير از اين گستره پهنار در نظر گرفته مي شود. البته، پژوهشگراني مانند زاگسما (۲۰۱۳) به درستي تاكيد مي كنند كه تاريخ ديجيتال را نمي توان فقط زيرشاخه اي از تاريخ دانست؛ زيرا پژوهش

كيفي رايج، ارزشمندند. ارزش ذاتي نظريه در روشن سازي حقيقت و آسيب آن در تيرونمايي واقعيت است. از اين منظر، چارچوب نظري زاده شده از دل فرايند پژوهش به مراتب اصيل تر از نظريه هاي تحميلي نامرتبتي است كه بي اعتنا به زمينه، بر اسناد تاريخي تحميل مي شوند.

منابع در تاريخ نگاري حسابداري: نوآوريها

منابع پژوهش تاريخ حسابداري، همچون تاريخ نگاري عمومي، هرچند متنوع اند اما همواره در گنجينه هاي آرشيوي ريشه دارند. كارنگي و ناپير (۱۹۹۶) با تاكيد بر اين اصل خاطرنشان مي كنند كه مورخان اين رشته نه تنها دفاتر و اسناد حسابداري را سرچشمه اوليه داده ها مي دانند، بلكه موفق شده اند "قلمرو آرشيوي را به فراسوي منابع فقط حسابداري بگسترانند". با اين حال، همين گنجينه هاي آرشيوي با خلاهاي روبه رو هستند كه چالشهاي بنيادين را پديد مي آورند. ذكر^{۲۹} (۲۰۱۳) در اين زمينه هشدار مي دهد كه «سكوت آرشيوها» تنها زاده سياستهاي نهادهاي حافظ اسناد يا فزوني مطالب نيست، بلكه خود پژوهشگران نيز در شكل گيري آن نقش دارند. هم سو با اين نگرش، كارنگي و ناپير (۱۹۹۶) استدلال مي كنند كه روايتهاي رسمي سازمانها اغلب ابزاري براي نمادين سازي جايگاه اجتماعي است؛ از اين رو، نهادها از آرشيوها به مثابه ابزاري براي هويت سازي بهره مي گيرند و هرگاه هويت بر ساخته با هويت آرماني در تعارض افتد، آگاهانه سكوت پيشه مي كنند. در كنار اين عوامل، ذكر (۲۰۱۳) به نكته ظريف تري اشاره مي كند كه بسياري از آرشيوها با كمبود منابع مواجه اند و سازمانها ناگزير بر مباني ملاحظات عملي در باب فضا، ارتباط و برجستگي دست به گزينش مي زنند كه خود به تنهائي خالق سكوت است. اين چالشها زماني عميق تر مي شوند كه ناپير (۲۰۲۰) به دوگانگي ديگري همچون فقدان سوابق مكتوب يا ناكافي بودن منابع ثانويه اشاره مي كند. در پاسخ به اين بحران، كارنگي و ناپير (۱۹۹۶) تمرکز بر اسناد حسابداري ممتاز (اسنادي كه به دلایل مالياتي و نظارتي به الزام حفظ مي شوند) را به عنوان راه حل بنيادين پيشنهاده مي دهند. چنين اسنادي مي توانند شكافهاي مستنداتي را پوشش دهند و به طور متقابل، ديجيتال سازي

تاریخی در ذات خود از تحولات فناوری‌های که شیوه‌های اجرای آن را متحول ساخته‌اند، گسست‌ناپذیر است. ظهور اینترنت در واپسین سالهای دهه ۱۹۸۰، این حوزه را به سطحی بی‌سابقه ارتقا داد و نه تنها مباحث علمی را به فضای مجازی انتقال داد، بلکه ظهور پدیده‌های نوینی مانند «کلان داده‌ها»، وبلاگهای شخصی و گفتمانهای برخط را موجب شد (زاگسما، ۲۰۱۳). دستاورد بنیادین این تحول، «دسترسی بی‌مرز در پژوهشها» بود که تاریخ‌نگاران را قادر ساخت تا گنجینه‌های آرشیوی را بی‌واسطه از سراسر جهان کاوش کنند، به منابعی به زبانهای ناآشنا دست یابند و با پژوهشگران سرزمینهای دوردست با حداقل هزینه همکاری علمی داشته باشند (ترکل و همکاران^{۲۹}، ۲۰۱۴). تاریخ حسابداری نیز به‌مانند دیگر شاخه‌های علوم انسانی، از موهبت فناوریهای دیجیتال و اینترنت بهره برده و شاهد تحولی بین‌المللی در رویکردهای پژوهشی خود بوده است (فولر و کیپر^{۳۰}، ۲۰۱۶). این تحول، خود را در قالب افزایش چشمگیر مطالعات تطبیقی فرامرزی و همکاریهای علمی بین‌المللی نشان داده است. نخستین گامها در راستای سامان‌دهی دانش تاریخ حسابداری در قالب پایگاه‌های داده تخصصی نیز برداشته شده‌اند؛ از جمله می‌توان به ابتکارهایی مانند کتابخانه مجازی دانشگاه می‌سی‌سی‌پی^{۳۱} که گنجینه‌ای از هزاران کتاب و مجله تخصصی دیجیتال شده را در اختیار می‌گذارد (فلیشر و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۰)، و پایگاه داده «سوما^{۳۳}» که بیش از هزار اثر تاریخ حسابداری از نویسندگان ایتالیایی را گردآوری کرده است، اشاره نمود (آنتونلی و دالیسیو^{۳۴}، ۲۰۱۱). با این حال، حوزه تاریخ حسابداری تازه در آستانه واکاوی پیامدهای عمیق دیجیتال‌سازی قرار دارد؛ حرکتی که با فراخوان اخیر این نشریه با موضوع «تاریخ حسابداری در عصر دیجیتال‌سازی» شتاب گرفته است. در شرایط کنونی که منابع از طریق دیجیتال‌شدن و دسترسی برخط بیش از پیش قابل دسترس شده‌اند (ولر^{۳۵}، ۲۰۱۲)، تاریخ‌دانان حسابداری باید فرصتهای ارائه‌شده توسط آرشیوهای برخط را بررسی کنند. منابعی همچون کتابخانه اینترنتی با دسترسی رایگان به ۶۲۵ میلیارد صفحه وب، ۳۸ میلیون کتاب و متن، ۱۴ میلیون فایل صوتی (شامل ۲۴۰۰۰ کنسرت زنده)، ۷ میلیون ویدیو (شامل ۲ میلیون برنامه خبری تلویزیونی)، ۴ میلیون

تصویر و ۷۹۰۰۰ برنامه نرم‌افزاری، نه تنها منبعی بی‌همتا برای داده‌هاست، بلکه می‌تواند به‌عنوان بستری برای انتشار پژوهشهای آینده تاریخ حسابداری عمل کند. آرشیوهای ارزشمند دیگری مانند آرشیو آپوستولیک واتیکان^{۳۶} با بیش از ۱۲۰۰ تصویر باکیفیت از اسناد اصلی آرشیو پاپی قرن شانزدهم، اروپانا^{۳۷} به‌عنوان کتابخانه دیجیتال اتحادیه اروپا برای اسناد اروپایی از قرن یازدهم به بعد و کتابخانه دیجیتال عمومی آمریکا با بیش از ۴۶ میلیون تصویر، متن، ویدیو و صدا، گزینه‌هایی استثنایی برای پژوهشهای نوآورانه ارائه می‌دهند. به‌رغم غنای این منابع، پژوهشگران باید به سه چالش کلیدی توجه ویژه داشته باشند: نخست، حجم انبوه منابع که فرایند غربالگری را به فعالیتی زمان‌بر تبدیل می‌کند (ولر، ۲۰۱۲)؛ به‌ویژه هنگامی که جستجوها به داده‌های نامرتبط منجر می‌شود. دوم، عدم تضمین اصالت و قابلیت اعتماد منابع برخط که به راحتی قابل دستکاری هستند و راستی‌آزمایی نسخه‌های فیزیکی به‌ویژه برای آرشیوهای دوردست دشوار است؛ و سوم، مسایل مربوط به حق نشر، به‌ویژه برای بازتولید تصاویر و نمودارهای دیجیتال شده که می‌تواند به صرف زمان قابل توجهی برای اخذ مجوزهای حقوقی پیش از انتشار بیانجامد (روزنتسویگ^{۳۸}، ۲۰۰۳). به‌رغم این چالشها، فراوانی و تنوع منابع امکان پژوهشهای نوینی را نیز فراهم می‌کند؛ انجام مطالعات تطبیقی بین‌المللی درباره شیوه‌های حسابداری تاریخی (کارنگی و ناپیر، ۲۰۰۲)؛ بررسی دوره‌های تاریخی مغفول که پیشتر به دلیل کمبود منابع امکان‌پذیر نبود و به‌کارگیری منابع چندرسانه‌ای مانند تصاویر، فایل‌های صوتی، ویدئوها، ایمیلها و وبلاگهای برخط به‌عنوان شواهدی از عملکرد حسابداری و پاسخگویی که در گذشته استفاده شده‌اند. افزون بر این، آرشیوها و کتابخانه‌های دیجیتال می‌توانند پلتفرمهای جدیدی برای انتشار تاریخ حسابداری فراهم کنند.

اشکال نوین منابع تاریخی و کاربردهای آنها

همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، افزایش دسترسی‌پذیری منابع، تنوع فزاینده‌ای را در اشکال منابع تاریخی به‌همراه آورده است. این تنوع در صورت به‌کارگیری رویکردهای میان‌رشته‌ای یا فرارشته‌ای توسط پژوهشگران، می‌تواند به عاملی توانمندساز

ترسیم بهتر زمینه‌ها و سوژه‌ها و برای جمع‌آوری اظهارات و نظرهای ضبط‌شده در ویدیوها مورد استفاده قرار گیرند. به‌طور متناوب، آن‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای پاسخگویی مبتنی بر آثار تولیدی دیداری به‌جای متون عمل کنند. افزون‌براین، تاریخ حسابداری از دهه ۱۹۰۰ به‌بعد می‌تواند بر اساس منابع ویدیویی نیز استوار باشد که اکنون به‌لطف دیجیتال‌شدن مطالب ویدیویی، به‌طور گسترده‌ای برای بررسی در دسترس هستند. چنین ویدیوهای تاریخی از نظر محتوا متنوع هستند و می‌توانند از پژوهش تاریخی در مورد موضوعهای شناخته‌شده و جدید تاریخ حسابداری پشتیبانی کنند. دوم، فایل‌های صوتی مصاحبه‌ها یا خاطرات شخصی که می‌توانند در هر دو نوع آرشیو فیزیکی و دیجیتال ارائه شوند، قادرند روایت‌های جایگزین و اغلب مغفول‌مانده‌ای را آشکار سازند که می‌توانند دانش ما از حسابداری را در مقام یک رفتار اجتماعی و اخلاقی به‌طرز چشمگیری غنی سازند. آرشیوها و کتابخانه‌های دیجیتال، به‌ویژه آن‌هایی که توسط نهادهای دیرپا مانند بانک‌ها یا دانشگاه‌ها ارائه می‌شوند، پایگاه‌های داده بزرگی حاوی داده‌های تاریخی طولی در اختیار می‌گذارند که پژوهشگران می‌توانند آن‌ها را ترکیب، مقایسه و ارزیابی کنند. اگرچه چنین پایگاه‌های داده‌ای حاصل کارهای اولیه علوم انسانی دیجیتال هستند، ممکن است فرصت‌های پربراری برای مطالعات طولی در تاریخ حسابداری فراهم کنند و همچنین ایده‌هایی درباره چگونگی بهره‌گیری از ابزار دیجیتال برای بهبود پژوهش تاریخی در حسابداری ارائه دهند. گروه دیگری از منابع متنوع، منابعی هستند که “در ذات دیجیتال” هستند و به‌تدریج وارد پژوهش‌های تاریخی می‌شوند (نیکس و ذکر^{۳۹}، ۲۰۲۱). به‌عنوان مثال، رایانامه‌ها می‌توانند منبع جایگزینی برای پژوهش تاریخ حسابداری ارائه دهند که هنگام تحلیل می‌توانند شیوه‌های حسابداری و پاسخگویی و همچنین بینش‌هایی درباره شیوه‌های مدیریت عملکرد و کنترل در محیط‌ها و زمینه‌های کاری مختلف را آشکار کنند. برای مثال دیگر، از رایانامه‌های جمع‌آوری‌شده برای بررسی کلاهبرداری کمسیون تنظیم مقررات انرژی فدرال برای تحلیل رسوایی انرون در تاریخ کسب‌وکار استفاده شده است (نیکس، ۲۰۱۸). همچنین، محتوای رسانه‌های اجتماعی و تالارهای

ابزار آماری مانند

بایلیومتریکس در نرم‌افزار R

این امکان را برای

پژوهشگران فراهم می‌کند تا

به ترسیم نمودارهای شبکه‌ای

مانند کلیدواژه‌ها

نویسندگان و مضامین پردازند

برای نوآوری‌های روش‌شناختی بدل گردد. این ضرورت زمانی آشکارتر می‌شود که با نگاهی جامعه‌شناختی، حسابداری را نه فقط به‌مثابه یک فن، بلکه به‌عنوان عملی درهم‌تنیده با ابعاد فنی، اجتماعی و اخلاقی در نظر بگیریم (کارنگی و همکاران، ۲۰۲۰). در این چارچوب تحلیلی، تمرکز انحصاری بر منابع فقط حسابداری، ظرفیت پژوهش تاریخ حسابداری را محدود می‌سازد. در ادامه، زمینه‌های مستعد نوآوری را از طریق انواع نامتعارف منابع تاریخی شامل تصاویر، ویدیوها، داده‌های سری زمانی حسابداری، رایانامه‌ها، محتوای رسانه‌های اجتماعی و مطالب تالارهای گفت‌وگوی برخط مورد بررسی قرار می‌دهیم. بهره‌گیری از منابع متنوع نه تنها می‌تواند پرسش‌هایی پژوهشی جدیدی را الهام بخشد، بلکه ممکن است مستلزم معرفی روش‌شناسی‌های متنوعی نیز باشد. نخست، از آنجا که بسیاری از آرشیوها از جمله آرشیوهای دیجیتال حاوی پایگاه‌های داده گسترده‌ای از تصاویر و ویدیوها هستند، تاریخ‌دانان حسابداری می‌توانند با استفاده از چنین منابعی، بینش‌هایی جدیدی درباره کاربردها و کاربران حسابداری در گذشته ارائه دهند. این منابع می‌توانند برای

گفت‌وگوی برخط، منابع "در ذات دیجیتال" دیگری هستند که برای پژوهش تاریخی آماده‌اند. آن‌ها می‌توانند دیدگاه‌های گروه‌های خاصی از سوره‌ها یعنی کارگران، فعالان و عموم مردم را درباره موضوعهای مهم در پژوهش تاریخ حسابداری به تصویر بکشند و سکوت‌های پیشین را هنگامی که صدای توده‌ها بازنمایی نمی‌شد، جبران کنند. به‌طور اجتناب‌ناپذیر، همه این اشکال جدید منابع، تاریخ‌دانان حسابداری را ملزم می‌سازند تا با روش‌شناسیهای متنوع و به‌طور معمول از سایر رشته‌ها، به پژوهش خود نزدیک شوند و بدین ترتیب، گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای را بیش‌تر تقویت کنند.

روش‌شناسی پژوهش در تاریخ حسابداری

این بخش از مقاله با نگاهی نظام‌مند به بررسی روش‌شناسی پژوهش در تاریخ حسابداری می‌پردازد و در قالب سه بخش فرعی مجزا اما مرتبط، روشهای کمی، ترکیبی و کیفی را دنبال می‌کند. در هر بخش، با وفاداری به رویکردی میان‌رشته‌ای، روشهای تحلیل منابع نوین پیش‌گفته و نوآوریهای اقتباس‌شده از دیگر رشته‌های علمی به تفصیل بررسی می‌شوند. برای نمونه، می‌توان به اثر قابل توجه کیپینگ و همکاران^{۴۰} (۲۰۱۷) اشاره کرد که با اهتمام به افزایش روزافزون میان‌رشته‌ای بودن تاریخ کسب‌وکار، ظهور گذرگاه‌های روش‌شناختی نوین و تعامل عمیق‌تر با مسایل نظری، پژوهشگران را ترغیب می‌کند تا با درنظرگیری این تحولات، به خلق جایگاه‌های تخصصی جدید همت گمارند.

روشهای کمی

همزمان با گسترش فزاینده و شتابان آرشیوهای دیجیتال از میانه دهه ۱۹۹۰ به این سو، شاهد رشد قابل توجه و معناداری در تعداد و تنوع مطالعات کمی در حیطه تاریخ اقتصادی بوده‌ایم (ادواردز و همکاران^{۴۱}، ۲۰۱۸). با این وجود، همان‌گونه که کارنگی و ناپیر (۲۰۱۷) با دقت و صراحت علمی اشاره کرده‌اند، مطالعات کمی در حوزه تاریخ حسابداری، به‌رغم قابلیت‌های روشن و ظرفیتهای تحلیلی بالا، همچنان با کمبود جدی و محسوسی مواجه است. این مسئله در قلمرو تاریخ کسب‌وکار نیز به استثنای موارد محدود و پراکنده آزمون فرضیه، به‌وضوح

و با شدت تمام مشهود است (نیکس و ذکر^{۴۲}، ۲۰۲۱). ظهور و گسترش سریع منابع دیجیتال می‌تواند زمینه‌ساز اصلی و نیروی محرکه رفع این نقص مهم و تعیین‌کننده باشد. در شرایط کنونی که با نوسانهای فزاینده و بی‌سابقه بازارهای سهام همراه شده است، تحلیل آماری دقیق و نظام‌مند داده‌های تاریخی طولی برگرفته از دوره‌های دارای شرایط بازار مشابه، می‌تواند مبنایی مستحکم و علمی برای اصلاحات نظارتی در حوزه افشا، تدوین استانداردهای جدید و اتخاذ سیاست‌گذاریهای دولتی کارآمد و اثربخش فراهم آورد. انجام چنین مطالعاتی و بهره‌گیری از فرصتهای فراهم‌شده توسط پایگاه‌های داده بزرگتر و منابع مختلف، مستلزم آن است که پژوهشگران دامنه روش‌شناسی پژوهشی خود را گسترش دهند؛ یا در گزینه‌ای دیگر، به دنبال همکاریهای میان‌رشته‌ای برای تسهیل تحلیل داده‌ها باشند. ابزار کتاب‌سنجی به عنوان نمادی از تحلیل کمی، روزه‌روز در مطالعات حسابداری و مدیریت از مقبولیت بیشتری برخوردار می‌شوند (لینلوکه و همکاران^{۴۳}، ۲۰۲۰). این ابزار با تمرکز بر تحلیل اسنادها و ویژگیهای مقالات، امکان بررسی آماری روش‌شناسی و موضوعهای پژوهشی را فراهم می‌سازند (اوجالا و همکاران^{۴۴}، ۲۰۱۷). ابزاری مانند «هایست‌سیت^{۴۵}» به ترسیم اسنادها و سیر تکامل اندیشه‌ها حول یک موضوع خاص می‌پردازند، در حالی که ابزار آماری مانند بایلیومتریکس^{۴۶} در نرم‌افزار R این امکان را برای پژوهشگران فراهم می‌کنند تا به ترسیم نمودارهای شبکه‌ای مانند کلیدواژه‌ها، نویسندگان و مضامین بپردازند که به توسعه «فرا دانش» در مورد یک موضوع یا پرسش خاص یاری می‌رساند (لینلوکه و همکاران، ۲۰۲۰؛ اوجالا و همکاران، ۲۰۱۷). به عنوان نمونه‌ای دیگر، بهرند و اولریچ^{۴۷} (۲۰۱۹) از نرم‌افزار «واس‌ویوئر^{۴۸}» «برای تصویرسازی شبکه پژوهش حسابرسی داخلی استفاده کرده‌اند و با توسعه تحلیل هم‌استنادی حول خوشه‌های موضوعی خاص، پیوندهای تاریخی را که تکامل پژوهش حسابرسی داخلی و ارتباط آن با عصر حاضر را نشان می‌دهد، شناسایی نموده‌اند. نیکس و ذکر^{۴۹} (۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که "مدل‌سازی موضوعی و زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌تواند نمای کلی از پرکاربردترین موضوعها یا واژگان در یک مجموعه از متون دیجیتال را

ارائه دهند^{۵۰}. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، فری و همکاران (۲۰۲۱) مدل‌سازی موضوعی را با استفاده از نرم‌افزار OCR و الگوریتمها در شش مجله تاریخ حسابداری و سایر مجله‌های میان‌رشته‌ای حسابداری به‌کار گرفته‌اند تا الگوهای انتشار را تحلیل کنند و سپس آن‌ها را به استفاده از نظریه در پژوهش حسابداری از دوره‌ها و زمینه‌های زمانی مختلف مرتبط سازند. آن‌ها در این فرایند، ۳۰ موضوع را شناسایی و براساس روشهای نظریه‌پردازی لولین (۲۰۰۳) دسته‌بندی کرده‌اند که حجم وسیعی از فرصتها را برای توسعه مفهومی و روش‌شناختی در پژوهش تاریخ حسابداری پیشنهاد می‌دهد و به طرح پرسشهای پژوهشی جدید خواهد انجامید. نیکس و دکر (۲۰۲۱) خاطرنشان می‌سازند که «نمایشگر ان‌گرام گوگل^{۵۱}» (روشی در دسترس برای کاوش آماری روندهای تاریخی زبان فراهم می‌کند). با این حال، این ابزار تحلیل پایگاه‌های داده‌های بزرگ، بینشی درباره منبع، زمینه یا سایر ویژگیهای برجسته پایگاه داده در اختیار پژوهشگر (یا خواننده) قرار نمی‌دهند. همچنین، با وجود دسترسی‌پذیری، این ابزار ممکن است فاقد معنا باشند و هنگام استفاده نیاز به احتیاط دارند و باید از تعمیم‌دهی براساس نتایج آن‌ها پرهیز کرد. بنابراین، در حالی که فناوریهای دیجیتال می‌توانند به‌صورت آنی نتایج جستجو را برای کمک به چارچوب‌دهی پرسشهای پژوهشی جدید تحلیل کرده و مجموعه‌های داده چندگانه را مقایسه و ترکیب کنند (گیز و اونز^{۵۱} ۲۰۱۳)، ضروری است که پژوهشگران به‌طور فعالانه مسایل منبع و زمینه را مدیریت و تاثیر آن‌ها بر تحلیل و نتیجه‌گیریها را درک کنند.

روشهای ترکیبی

در حوزه روشهای ترکیبی^{۵۲}، تحلیل‌های کیفی می‌توانند به صورت موثری مکمل روش‌شناسی کمی بوده و بر اعتبار و قابلیت اتکای یافته‌های پژوهش تاریخی بیفزایند. این رویکرد ممکن است منابع جدید را با روشهای نوین تحلیل متون تلفیق نماید. به‌عنوان نمونه، نیکس و دکر (۲۰۲۱) مضامین معناشناختی را از طریق تحلیل کمی ایمیل‌های انرون و رونوشت‌های تماس‌های تلفنی، همراه با تحلیل کیفی آرشیوهای دیجیتال مصاحبه‌های کارآفرینان، شناسایی و بررسی کرده‌اند.

این نمونه‌ها از مورخان کسب‌وکار به وضوح نشان می‌دهند که چگونه روشهای ترکیبی می‌توانند محدودیتهای هر دو نوع آرشیو دیجیتال و غیردیجیتال را مرتفع سازند. نیکس و دکر (۲۰۲۱) به‌درستی تاکید می‌کنند که «رویکردهای نوین بدین معنا هستند که بازتاب‌پذیری روش‌شناختی، نقد منابع و نظریه آرشیوی همچون گذشته برای تولید دانش تاریخی اهمیت خواهند داشت». با توجه به این واقعیت مسلم که پژوهشهای تاریخی می‌توانند به ساختن آینده کمک شایانی نمایند، استفاده از تاریخ و آزمون آن برای پیشنهاد آینده‌های ممکن، می‌تواند بسیار ارزشمند باشد. در پاسخ به بحران آب‌وهوا، «هیئت استانداردهای پایداری بین‌المللی^{۵۳}» که به‌تازگی تاسیس شده، در حال تدوین استانداردهای گزارشگری تحت چارچوب کارگروه افشاهای مالی مرتبط با آب‌وهوا^{۵۴} است که نهادها را ملزم به گزارش سناریوهای آینده و تاثیر آن‌ها بر پایداری کسب‌وکار می‌نماید. هاسنوت و میدلکوپ^{۵۵} (۲۰۱۲) با بررسی جامع استفاده از سناریوها در مطالعات سیاست آب در هلند دریافتند که کاوش آینده می‌تواند به تصمیم‌گیری مستحکم‌تری منجر شود و استفاده از سناریوها به‌طور قابل‌توجهی اثربخشی سیاست‌گذاری را بهبود بخشیده است. تاریخ در توسعه سناریوها نقشی محوری ایفا می‌کند، و بردفیلد و همکاران^{۵۶} (۲۰۱۶) استدلال می‌کنند که تاکید فزاینده بر تاریخ می‌تواند پیوندهای بهتری بین آینده‌های ممکن و ملاحظات علیت ایجاد نماید. باسی و همکاران^{۵۷} (۲۰۱۲) نمونه‌ای ارائه می‌دهند که در آن از جوامع توانمندشده توسط پژوهش برای ارزیابی چگونگی سازگاری با چالشهای آینده مانند تغییرات آب‌وهوایی استفاده شده است. به شیوه‌ای جذاب و غیرمقابله‌ای، داده‌های کمی ترکیب‌شده با روایت‌های تاریخی از پاسخهای اجتماعی گذشته، مواقعی را برجسته می‌سازند که آمادگی و پاسخگویی کم‌وبیش موفقیت‌آمیز بوده‌اند. بر این اساس، اگرچه الزامهای انجام تحلیل کسب‌وکار مبتنی بر آینده به نظر نمی‌رسد حوزه‌ای باشد که تاریخ‌دانان حسابداری بتوانند در آن مطالعاتی توسعه دهند، اما این روش می‌تواند «گفت‌وگوها را برانگیزد و تفکر خلاقانه "خارج از چارچوب" درباره سطوح کنونی ظرفیت انطباق را تحریک کند»

رسانه‌های دیجیتال نه تنها

به عنوان ابزار تحلیل

بلکه به عنوان بستری نوآورانه

برای ارائه

پژوهشهای تاریخی

عمل می‌کنند

روشهای کیفی

بخشهای پیشین به وضوح نشان می‌دهند که روشهای کیفی نیز برای تحلیل منابع نوین در دسترس، نیازمند نوآوری و تحول خواهند بود. برای نمونه، روش‌شناسیهای بصری^{۵۸} در اختیار پژوهشگران تاریخ حسابداری قرار دارند تا از پتانسیل تصاویر، اشکال، ویدیوها و سایر ضبطها در آرشیوها و کتابخانه‌های دیجیتال بهره‌برداری کنند. ارقام و تصاویر حسابداران گذشته می‌توانند بینش‌های ارزشمندی درباره چگونگی درک پیشین این حرفه ارائه دهند. به عنوان نمونه، آیا حسابداران همواره ماشین‌حسابهای خشک تصور می‌شدند؟ آیا به عنوان متخصصانی جدی به تصویر کشیده می‌شدند؟ آیا در اصل بازنمایی می‌شدند؟ این پرسشها و پرسشهایی مشابه را مایلی و رید^{۵۹} (۲۰۱۴) در مورد کاریکاتورهای جنگی مطرح کردند که منبعی به نسبت نوین برای تاریخ حسابداری به شمار می‌رود. افزون بر این، در شماره ویژه «حسابداری و سرگرمی» در مجله تاریخ حسابداری در سال ۲۰۲۱، روچر و همکاران^{۶۰} (۲۰۲۱) توضیحی روش‌شناختی گسترده و مبسوط درباره انتخاب وبسایت‌های منبع کمکهای «ابرقهرمانی» آمریکایی و فرایند انتخاب واژگان کلیدی برای شناسایی نقش حسابداران

در این داستانهای تخیلی ارائه می‌دهند. با بررسی جداگانه هر قاب کمیک، روچر و همکاران (۲۰۲۱) روایت را تحلیل کرده و مضامینی را برای پژوهش کیفی توسعه دادند. جونز و استنتون^{۶۱} (۲۰۲۱) نیز کاریکاتورهای انرون را از پایگاه‌های داده جهانی به صورت موضوعی تحلیل کردند. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، چالش اصلی این تلاشهای پژوهشی، کسب مجوز حق نشر بود که رد آن، گزارش‌دهی پژوهش را محدود ساخت. افزون بر این، پژوهشگران باید نسبت به روش‌شناسیهای نوین از سایر علوم اجتماعی که در آنها از تصاویر به عنوان شواهد استفاده می‌شود، گشوده باشند. پژوهشگران می‌توانند از «شبکه‌نگاری»^{۶۲} برای تحلیل مطالب دیجیتال مانند بحثهای علمی برخط، وبلاگهای علمی و تاریخی و محتوای رسانه‌های اجتماعی به منظور گسترش پژوهش تاریخ حسابداری استفاده کنند. شبکه‌نگاری گونه‌ای از قوم‌نگاری دیجیتال است که برای مشاهده و تجربه یک محیط برخط خاص، گردآوری و تحلیل داده‌های دیجیتال، پستها، وبلاگها، جوامع برخط و تالارهای گفت‌وگو به منظور ارائه بینش درباره پدیده‌ای خاص اجرا می‌شود (کوزینتس^{۶۳}، ۲۰۰۲). این روش که به طور فزاینده در پژوهش حسابداری معاصر (جیسل^{۶۴}، ۲۰۱۷؛ جیسل و کارتر^{۶۵}، ۲۰۱۱؛ گونچارنکو^{۶۶}، ۲۰۱۹؛ لئون و پارکر^{۶۷}، ۲۰۱۹؛ مازبرو و همکاران^{۶۸}، ۲۰۲۲) به عنوان روشی کیفی و تفسیری برای بررسی شیوه‌های حسابداری و پاسخگویی در جهان دیجیتال به کار می‌رود، هنوز در قلمرو تاریخ حسابداری به طور کامل مورد استفاده قرار نگرفته است. فرصتهای قابل توجهی برای تاریخ‌دانان حسابداری وجود دارد تا محیطهای دیجیتال اولیه و جوامع برخط و همچنین تالارهای گفت‌وگوی پژوهش تاریخی را از طریق رویکرد شبکه‌نگاری دیجیتال به مطالعات حسابداری و پاسخگویی بررسی کنند (جیسل، ۲۰۲۱).

نگارش، ارائه و انتشار تاریخ حسابداری

بخشهای پیشین به بررسی چگونگی گسترش پژوهش تاریخ حسابداری از طریق جستجوی نوآوری در نظریه‌ها، منابع و روش‌شناسیها پرداختند. در تحلیل نوآوریهای اخیر و بالقوه در تاریخ‌نگاری حسابداری، این پرسش کلیدی مطرح می‌شود

می‌کند (الزپاس^{۷۵}، ۲۰۱۲؛ مک‌براید، ۲۰۲۲؛ سامرفیلد^{۷۶}، ۲۰۱۸). دسترسی برخط به خاطرات تاریخی، امکان تحلیل عمیق‌تر و تسریع در روند پژوهش را فراهم و جستجوی پژوهشگر برای ایده‌های خاص و بررسی نقل‌قولها، واژگان و عبارات مورد استفاده را سرعت می‌بخشد. اسناد زودگذر^{۷۷} یا یادگارهای کلکسیونی شامل مدارک چاپی یا دست‌نویسی که در اساس برای حفظ دائمی طراحی نشده‌اند، می‌توانند به گنجینه‌ای ارزشمند برای پژوهشگران تاریخ حسابداری تبدیل شوند. این مجموعه‌ها شامل عکسهای شخصی و سازمانی (پارکر و جیسِل^{۷۸}، ۲۰۱۹)، فیلمها (پارکر^{۷۹}، ۲۰۰۹)، اسکناس، صورت‌جلسه‌ها، دفترچه‌های جیره‌بندی، پوسترها، کارت‌پستالها، بلیطها، یادداشت‌های اداری، کارتهای فهرست، کتابها، بریده‌های مطبوعات و نقشه‌های تاریخی می‌گردند که همگی می‌توانند بر غنای روایت تاریخی بیفزایند. منابع تاریخی دیگر با ارائه پیشینه و بستر مناسب، درک بهتری از دوره مورد مطالعه به خواننده ارائه می‌دهند. به‌عنوان مثال، جزوه‌ها در سده هفدهم نقش محوری در انتشار اطلاعات ایفا می‌کردند (ورهوست^{۸۰}، ۲۰۱۹). پیشرفتهای فناوری چاپ و گسترش سواد، جزوه‌ها را به رسانه‌ای تاثیرگذار در انتشار افکار مذهبی، سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده بود (هولستون^{۸۱}، ۲۰۱۳). این منابع می‌توانند عمق و جزئیات ارزشمندی به پژوهشهای تاریخی بیفزایند؛ مشروط بر این‌که به‌درستی تفسیر و تحلیل گردند.

رویکردهای نوین در تدوین، ارائه و انتشار پژوهش

پژوهش تاریخ حسابداری اغلب از مطالعات موردی برای بررسی پدیده‌های حسابداری در چارچوب شرایط واقعی استفاده می‌کند (کوردِری^{۸۲}، ۲۰۱۵؛ لاتزینی و نیکولیلو^{۸۳}، ۲۰۲۱؛ فان دریال^{۸۴}، ۲۰۱۹). سایر منابع و روشهای کمتر مورد استفاده شامل زندگینامه‌نویسی، تاریخهای خرد و تبارشناسی است (کارنگی و مک‌براید، ۲۰۲۲). هنگامی که این مطالعات نوشته می‌شوند، به‌طور معمول بر روایت افراد درگیر، چه به‌صورت فردی و چه گروهی، تمرکز می‌کنند تا عنصر شخصی را به تاریخهای روشن‌شده اضافه کنند. هر یک

که چگونه می‌توان گذشته را به‌عنوان وسیله‌ای برای درک «چیزهای جدید در حال حاضر» و «ناشناخته‌های آینده» بررسی و ثبت کرد، امری که بسیاری یا تمام آن در «رخدادهای گذشته» بازنمایی می‌شود. یک وسوسه متداول برای پژوهشگران، انتزاع انسانها و رویدادها و قضاوت در مورد آنها بدون در نظرگیری زمینه یا با درجه‌ای از حال‌نگری است؛ بنابراین پس از به‌کارگیری نظریه‌ها، منابع و روش‌شناسیهای گوناگون در پژوهش بنیادین، باید در نگارش و ارائه تاریخ حسابداری با دقت عمل کرد. تبیین، ارائه و انتشار پژوهش به‌چگونگی همکاری ما با دیگران از جمله تفسیر و تحلیل یافته‌ها بستگی دارد. این بخش به نگارش و ارائه تاریخ حسابداری می‌پردازد و با تمرکز بر منابع به‌عنوان نمونه، ابعادی را برای پیشبرد تاریخ‌نگاری تاریخ حسابداری مورد بررسی قرار می‌دهد و رویکردهای مختلف و میان‌رشته‌ای را در تدوین، ارائه و انتشار پژوهش بررسی می‌کند.

منابع به‌عنوان نمونه‌های عینی در تدوین، ارائه و انتشار پژوهش

اگرچه گنجینه‌های آرشیوی از تنوع و غنای قابل‌توجهی برخوردارند، اما نوآوری و دیجیتال‌سازی امکانات بی‌سابقه‌ای در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه، تاریخهای شفاهی و ضبط مصاحبه‌ها امکان ثبت خاطرات و ادراکهای شخصی از رویدادهای تاریخی مهم را فراهم می‌سازند. گنجاندن داده‌های صوتی و تصویری دیجیتال‌شده در ارائه یافته‌های پژوهشی (به‌ویژه در بخش یافته‌ها) نوآوری ارزشمندی است که همراه با دیگر شیوه‌های نوین انتشار، می‌تواند به گسترش دامنه تاثیر پژوهش بینجامد. علاوه بر این، خاطرات روزانه و دیگر اسناد شخصی (باگرمین و دکر^{۸۵}، ۲۰۱۸)، از قبیل نامه‌ها، بینشهایی ارزشمندی از شیوه زیست در ادوار گذشته ارائه می‌دهند. از این‌رو، این مدارک می‌توانند به‌عنوان گزارشهایی قوم‌نگارانه از رویدادها یا شیوه‌های کسب‌وکار مورد استفاده قرار گیرند (کولی و پرز^{۸۶}، ۲۰۲۰؛ هامرله و اونز^{۸۷}، ۲۰۲۰؛ مک‌براید^{۸۸}، ۲۰۲۲؛ پترسون^{۸۹}، ۲۰۲۰؛ پولیاتی^{۹۰}، ۲۰۲۲). نقل‌قولهای مستقیم از خاطرات روزانه در تدوین متون پژوهشی، غنای تحلیلی قابل‌توجهی ایجاد

از این روشها، رویکرد خاص خود را در تدوین پژوهش طلب می‌کنند. زندگینامه‌نویسی که زندگی یک فرد مرتبط با موضوع پژوهش را به تصویر می‌کشد، نه تنها می‌تواند موضوع را روشن کند (باروز^{۸۵}، ۲۰۱۹)، بلکه چشم‌اندازی برای تبیین در تدوین پژوهش ارائه می‌دهد. تاریخهای خرد با واکاوی دقیق رویدادها یا جوامع خاص، بر افراد یا گروه‌ها به عنوان موضوع کلیدی پژوهش تمرکز می‌کنند. این رویکرد امکان بررسی زندگی روزمره و تجربه‌های عادی دوران گذشته را از منظر خرد فراهم می‌سازد. در مقابل، تبارشناسی (زندگینامه جمعی) با مطالعه موارد مشترک گروه‌های تاریخی به بررسی پیشینه مشترک بازیگران تاریخی از طریق مطالعه جمعی زندگی آنان می‌پردازد (کورونلا و همکاران^{۸۶}، ۲۰۲۱؛ استون^{۸۷}، ۱۹۷۱). "تاریخ عمومی" یا تعامل با نهادهای حرفه‌ای، در موزه‌ها و مراکز آموزشی فرصتهای بی‌بدیلی برای نوآوری و ارتقای ارتباط تاریخ حسابداری فراهم می‌آوردند (کارنگی و نیپیر، ۲۰۱۳). برای نمونه، ارائه‌های دیجیتال تعاملی در محیطهای تاریخی، امکان تجربه غوطه‌وری در گذشته را برای مخاطبان فراهم می‌سازد. این رویکردها امکان مشاهده و درک گذشته را در قالبهای جدید و جذاب میسر می‌سازند. پژوهش تاریخ حسابداری می‌تواند به روشهای نوآورانه‌ای مانند تولید محتوای ویدئویی، برگزاری وبینارها و تولید پادکستها منتشر و ارائه شود. این شیوه‌های نوین نه تنها در رسانه‌های تخصصی، بلکه در کنار دیگر گونه‌های تاریخی و در قالب پروژه‌های میان‌رشته‌ای نیز قابلیت اجرا دارند. این تنوع در شیوه‌های انتشار، امکان دسترسی به طیف گسترده‌تری از مخاطبان را فراهم می‌آورد. رسانه‌های دیجیتال نه تنها به عنوان ابزار تحلیل، بلکه به عنوان بستری نوآورانه برای ارائه پژوهشهای تاریخی عمل می‌کنند. این رسانه‌ها امکان خلق آرشیوهای دیجیتال، ارائه‌های چندرسانه‌ای، تجسمهای پژوهشی پیچیده، نمایشگاه‌های مجازی، تولید مستندهای تاریخی، طراحی خطوط زمانی تعاملی و ایجاد نقشه‌های تاریخی پویا را فراهم می‌سازند. این نوآوریها نه تنها درک بهتری از پژوهش به مخاطبان ارائه می‌دهند، بلکه ارتباط موثرتر و پویاتری بین پژوهشگران و جامعه علمی برقرار می‌سازند. خوانندگان و کاربران آثار پژوهشی که از طریق این نوآوریهای

خلاقانه و فنی ارائه می‌شوند، امکان درک عمیق‌تر و تعامل فعال‌تری با محتوای تاریخی خواهند داشت. این رویکردها زمینه را برای انتقال موثرتر مفاهیم پیچیده تاریخی و ایجاد درک مشترک از تاثیر تاریخ حسابداری بر تحولات اجتماعی فراهم می‌آورند. ارتباط موثر بین زمینه تاریخی، بازیگران و تاثیر پژوهشهای تاریخ حسابداری می‌تواند از طریق گشودگی پژوهشگران به بهره‌گیری از نظریه‌ها و چارچوبهای تحلیلی دیگر رشته‌ها تقویت شود (کارنگی، مک‌براید و همکاران، ۲۰۲۰؛ ناپیر، ۲۰۲۰). این رویکرد میان‌رشته‌ای نه تنها غنای تحلیلی پژوهش را افزایش می‌دهد، بلکه امکان بازخوانی و تفسیر نوین از رویدادهای تاریخی را در پرتو دیدگاه‌های متنوع فراهم می‌سازد.

رویکرد میان‌رشته‌ای در تدوین، ارائه و انتشار

مورخان حسابداری نه تنها می‌توانند از دستاوردهای رشته‌های دیگر بهره‌گیرند، بلکه قادرند با انتشار آثار خود در نشریات تخصصی حوزه‌های مرتبط، اهمیت و تاثیر پژوهشهای تاریخ حسابداری را به طیف وسیع‌تری از جامعه علمی نشان دهند. همکاری با پژوهشگران سایر رشته‌های تاریخی و جست‌وجوی ایده‌ها و موضوعهای نوین (باسکرویل و همکاران^{۸۸}، ۲۰۱۷)، افقهای تازه‌ای پیش‌روی تاریخ‌نگاری حسابداری می‌گشاید. این تعامل فرصتی برای خلق پیوندهای علمی بدیع و توسعه مرزهای دانش است. بین‌المللی‌سازی تاریخ حسابداری از طریق همکاریهای فراملی و مطالعات تطبیقی (کارنگی و ناپیر، ۲۰۱۲)، امکان واکاوی تاریخ حسابداری از منظرهای گوناگون را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، مطالعه دانش استعماری از دیدگاه مستعمرات به جای امپراتوری، درک بهتری از چگونگی شکل‌گیری دانش در بستر استعماری و تاثیر دانش بومی بر روشهای استعمارگران ارائه می‌دهد. این رویکرد امکان بازخوانی انتقادی تاریخ حسابداری را از زوایای مختلف فراهم می‌سازد.

به‌کارگیری فناوریهای نوین نه تنها در تدوین و ارائه پژوهش، بلکه در همکاریهای علمی نیز به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است. همکاریهای مجازی بین‌المللی و انتشار برخط یافته‌های پژوهشی، امکان تعامل گسترده‌تر و موثرتر

نوآوری در پژوهش تاریخ حسابداری می‌یابیم تا راه‌های نوین و آگاهانه‌ای برای مدیریت و حکمرانی جهان بیابیم. پژوهش تاریخ حسابداری، چه از نوع سنتی و چه "تاریخ نوین حسابداری"، می‌تواند نشان دهد که تاریخ حسابداری اهمیت دارد و در آینده نیز اهمیت خواهد داشت. از طریق شکل‌های نوآورانه مطالعه گذشته، مورخان حسابداری می‌توانند به درک بهتر جهان امروز، حکمرانی آن و حسابداری کمک کنند. آنان می‌توانند در توضیح نقش حسابداری در گذشته و چگونگی تغییر آن در حال حاضر یاری رسانند.

تاریخ حسابداری، با استفاده نوآورانه از نظریه، منابع، روش‌شناسیها و نگارش، می‌تواند ارزشهای جایگزین را به‌جای صرف سودآوری، همچون مسئولیتهای اجتماعی، سلامت، محیط‌زیست، منابع طبیعی، تغییرات آب‌وهوایی و تصویر حسابداران، آشکار سازد. به عبارت دیگر، تاریخ حسابداری می‌تواند حسابداری را به ارتباط بیشتر با مسایل اجتماعی ترغیب کند، زیرا توانایی درک مسایل کنونی از منظر تاریخی را دارد و به حل آن‌ها و یافتن راه‌های جدید برای مدیریت و حکمرانی جهان کمک می‌کند. از اینجا، ما خواهان آنیم که تاریخ حسابداری در مطالعه گذشته نوآورانه‌تر عمل کند. ما مورخان حسابداری را به خلاقیت و گشودگی به تغییر فرا می‌خوانیم تا نوآور باشند و به حرکت و بهبود مستمر تاریخ‌نگاری حسابداری و ارتباط آن در طول زمان کمک کنند. نظریه در گذشته به نوآوری در پژوهش تاریخ حسابداری کمک کرده و می‌تواند در آینده نیز چنین کند. نظریه را می‌توان به روشهایی گوناگون به کار برد. تاکنون، نظریه‌ها و چارچوبهای بیشماری به شکوفایی پژوهش تاریخی حسابداری یاری رسانده‌اند؛ با این حال، هیچ نظریه‌پردازی واحدی وجود ندارد که بتوان آن را برای همه موقعیتهای توصیه کرد. ما پژوهشگران تاریخ حسابداری را به انتخاب نظریه‌ها یا چارچوبهای نظری که به آنان و خوانندگانشان در درک منابع کمک می‌کند، تشویق می‌کنیم. هرچند انتخاب نظریه‌های پیشین، چه توسعه‌یافته و چه چارچوبهای اولیه، اغلب به ترجیحات و تجربه‌های شخصی پژوهشگران بستگی دارد، اما صرف نظر از محبوبیت یک نظریه، ارزش آن زمانی کاهش می‌یابد که به صورت مکانیکی بر پژوهش آرشیوی اعمال شود. در دو

اگر چه گنجینه‌های آرشیوی

از تنوع و غنای قابل توجهی

برخوردارند

اما نوآوری و دیجیتال سازی

امکانات بی سابقه‌ای در

اختیار پژوهشگران

قرار داده‌اند

پژوهشگران را در سطح جهانی فراهم آورده‌اند. کنفرانسها و کارگاه‌های مجازی، مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و فضایی برای تبادل نظر بی‌وقفه فراهم ساخته‌اند. پژوهش را می‌توان نه تنها در کنفرانسهای مجازی ارائه داد، بلکه از طریق سایر پلتفرمهای مجازی نیز منتشر کرد، که بدین ترتیب دسترسی به مخاطبان گسترده‌تر را فراهم می‌سازد. این تعاملهای میان‌رشته‌ای موجب غنای روش شناختی پژوهش شده و امکان بهره‌گیری از چارچوبهای نظری متنوع را فراهم می‌آورد.

سخنان پایانی

ما در این مقاله به کاوش چگونگی گسترش پژوهش تاریخ حسابداری از طریق جستجوی نوآوری در نظریه‌ها، منابع، روش‌شناسیها و نگارش پرداختیم. استدلال ما بر این است که پژوهش تاریخ حسابداری به عنوان حوزه‌ای پژوهشی به بلوغ رسیده و تاریخ‌نگاری آن تحلیلهای غنی‌ای ارائه داده و مسیرهای ممکن برای پژوهشهای آینده در قالب نظریه، منابع و روشهای گشوده است. با این حال، این عرصه ایستا نیست و ما امکانهایی متنوع و چالش‌برانگیزی برای

دهه گذشته، منابع تاریخ حسابداری از نظر دسترسی، شکلها و خروجیها به طور چشمگیری گسترش یافته‌اند. همچنین، فناوریهای دیجیتال، دسترسی و شمار پرونده‌های تاریخی، از جمله پایگاه‌های داده ارقام و تصاویر را افزایش داده‌اند. پژوهشگران تاریخ حسابداری اکنون از منابعی پرشماتر و دسترس‌پذیرتر و با هزینه‌ای کمتر، برخوردارند که به آنان امکان می‌دهد در پژوهش خود نوآور باشند و عرصه‌های نوین پژوهش را کاوش کنند. با این حال، این فراوانی و تنوع منابع که توسط فناوری میسر شده، نیازمند آن است که مورخان حسابداری زمان بیشتری را به بررسی اصالت منابع، قابلیت اعتماد آنها و همچنین دریافت مجوزهای حق نشر برای انتشار اختصاص دهند. نوآوری در نظریه و دسترسی به منابع دیجیتال، نوآوری در روشهای تاریخ حسابداری را به پیش می‌برد. ما پژوهشگران تاریخ حسابداری را به گسترش روش‌شناسیهای پژوهشی خود، با در نظر گرفتن فرصتها و محدودیتهای ارائه‌شده توسط منابع بزرگتر و متفاوت ارائه‌شده توسط فناوری، تشویق می‌کنیم. امکانات جدید شامل، تاریخ‌های خرد، تبارشناسیهای جمعی، تاریخ حسابداری تطبیقی بین‌المللی، مطالعات کمی، تاریخ شفاهی و تصویری و مطالعات میان‌رشته‌ای می‌شود. در دسترس بودن مجموعه داده‌های طولی بزرگ، نیازمند روش‌شناسیهای تحلیل جدید است. قوم‌نگاری مجازی نمونه‌ای از چنین روش تفسیری و کیفی با پتانسیل قابل توجه برای پژوهش تاریخ حسابداری است. روش‌شناسیهای جدید فرصتهایی برای کشف روندهای جدید در روشهای حسابداری در طول قرن‌ها و در مکانهای مختلف فراهم می‌کنند و پرسشهای پژوهشی جدیدی را برمی‌انگیزند و همچنین عرصه‌های پژوهشی جدیدی می‌گشایند. شیوه‌ای که تاریخ‌نگاران حسابداری در به‌کارگیری نظریه، منابع و روشهای نوآوری می‌کنند، بر چگونگی نگارش، ارائه و انتشار تاریخ حسابداری تاثیر خواهد گذاشت. ما از پژوهشگران می‌خواهیم تا از شیوه‌های جذاب برای ارائه «روایت تاریخی» بهره‌گیرند تا انتشار پژوهش تاریخ حسابداری به ارتقای جایگاه این عرصه بینجامد. افزون بر انتشار پژوهش تاریخ حسابداری در نشریه‌های تخصصی و عمومی حسابداری، باور داریم که انتشار و پی‌جویی تاثیر

در دیگر رشته‌ها، و همچنین همکاری با نهادهای حرفه‌ای، موزه‌ها و دیگر مراکز تاریخ عمومی برای پژوهشگران حائز اهمیت است. شایان ذکر است که فناوریهای نوین، بسترهایی برای انتشار تاریخ حسابداری از جمله ارائه‌های دیجیتال تعاملی، ویدئوها، وبینارها و پادکستها، و دیگر منابع دیجیتال و تعاملی فراهم می‌آورند. با بین‌المللی‌سازی پژوهش تاریخ حسابداری می‌توان به مخاطبان بیشتری دست یافت، که این خود به افزایش دانش تاریخ حسابداری و امکان‌یابی پروژه‌ها و همکاریهای پژوهشی نوین، نوآورانه و بین‌المللی خواهد انجامید. نوآوری، محدودیتهایی نیز به همراه دارد. ضروری است که نشریه‌های حسابداری، اعم از عمومی و تخصصی و سردبیران و داوران آنها نسبت به نوآوری و رویکردهای نوین در به‌کارگیری نظریه در مطالعه تاریخی حسابداری و نیز نسبت به منابع و روشهای نوین و همچنین شیوه‌های مختلف نگارش پژوهش تاریخ حسابداری، گشوده باشند. اما مهم‌تر از همه (که ممکن است خود محدودیتی مهم برای نوآوری در تاریخ‌نگاری تاریخ حسابداری باشد)، پژوهشگران تاریخ حسابداری باید آماده باشند تا از منطقه امن خود خارج شده و نوآوری را بپذیرند. ما پژوهشگران را به استقبال از تفاوتها، ناشناخته‌ها و عدم قطعیتها و نیز خلاق بودن فرا می‌خوانیم. مورخان حسابداری در ارائه درکی بهتر از گذشته به‌گونه‌ای که به حل مسایل کنونی در سازمانها، نهادها و جامعه بینجامد، نقشی مهم ایفا می‌کنند. اینکه حسابداری آینده‌ای درخشان دارد، قطعی است؛ و برای تحقق این آینده، برخورداری از دانشی ژرف از گذشته حسابداری امری ضروری است.

پانوشتها:

- 1- Carnegie
- 2- Napier
- 3- Gaffikin
- 4- Carnegie & Napier
- 5- Tyson & Oldroyd
- 6- Parker
- 7- Dawson & Andriopoulos
- 8- Marwick
- 9- Hempel
- 10- Foucault

56- Bradfield et al
 57- Bussey et al
 58- Visual Methodologies
 59- Miley & Read
 60- Rocher et al
 61- Jones & Stanton
 62- Netnography
 63- Kozinets
 64- Jeacle
 65- Jeacle & Carter
 66- Goncharenko
 67- Leoni & Parker
 68- Masiero et al
 69- Baggerman & Dekker
 70- Colli & Perez
 71- Hämmerle & Evans
 72- McBride
 73- Patterson
 74- Pugliatti
 75- Elspa
 76- Summerfield
 77- Ephemera
 78- Parker & Jeacle
 79- Parker
 80- Verhoest
 81- Holstun
 82- Carnegie
 83- Lazzini & Nicolliello
 84- Van Driel
 85- Burrows
 86- Coronella et al
 87- Stone
 88- Baskerville et al

11- Llewellyn
 12- Maclean et al
 13- Carnegie et al
 14- Ferri et al
 15- Miller et al
 16- Hobson & Lawson
 17- Laughlin
 18- McBride & Verma
 19- Leblebici
 20- Miller et al
 21- Sangster
 22- Luca Pacioli
 23- Summa de Arithmetica
 24- Decker
 25- Swierenga
 26- Zaagsma
 27- Berry
 28- Busa
 29- Turkel et al
 30- Fowler and Keeper
 31- University of Mississippi
 32- Flesher et al
 33- Summa
 34- Antonelli and D'Alessio
 35- Weller
 36- Vatican Apostolic
 37- Europeana
 38- Rosenzweig
 39- Nix & Decker
 40- Kipping et al
 41- Edwards et al
 42- Nix & Decker
 43- Linnenluecke et al
 44- Ojala et al
 45- HistCite
 46- Bibliometrics
 47- Behrend & Eulerich
 48- VOSviewer
 49- Nix & Decker
 50- Google's Ngram Viewer
 51- Gibbs & Owens
 52- Mixed Methods
 53- International Sustainability Standards Board (ISSB)
 54- Taskforce for Climate-Related Financial Disclosures (TCFD)
 55- Haasnoot & Middelkoop

منبع:

• Cordery, C. (2023), **Innovation in Accounting History: Where to from here?**

ccounting History 2023, Vol. 28(3) 368–389

© The Author(s) 2023 Article reuse guidelines:

sagepub.com/journals-permissions

DOI: 10.1177/10323732231168457

journals.sagepub.com/home/ach